



پروژه‌های علمی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

نقطه عطف؛ دانش و کنش / علم و عمل؛ سفر آغاز می‌شود؛ بیت المقدس؛ عظمت قاهره عصر فاطمیان؛ مکه، شهر حج و زیارت؛ سفر به سوی خانه؛ جهان تاریک می‌شود؛ شکوه بازیافته. نویسنده محترم، اثر خود را براساس دقت و واریسی در سفرنامه، دیوان و آثار فلسفی می‌داند و به طور خلاصه، پیوند ساختاری کتاب خود را چنین معرفی می‌کند:

«ساخت و درونمایه این کتاب نتیجه این بازیبیهاست. مسیر عمده روایت، سفر ناصر خسرو را از زادگاهش در خراسان، با آراستن صحنه برای تحول روحی و گزروش او به کیش اسماعیلی و عزم وی برای چنین مسافرتی دنبال می‌کند، و اینکه چسان خانواده و زندگی یک مأمور برجسته مالی در دستگاه سلجوقیان را به پشت سر می‌گذارد. در این ساختار متحول، سرشار از توصیفهای غنی از سرزمینهایی که از درون آنها می‌گذرد، مضمونهای عمده فلسفی را ملحق کرده‌ام و نخست از عقیده اساسی اسماعیلیه درباره دو امر پیوسته به یکدیگر یعنی ظاهر و باطن آغاز کرده‌ام، و از آنجا، به

کتاب ناصر خسرو، لعل بدخشان در نشر فرزاد و در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است. عنوان فرعی و توضیحی کتاب «تصویری از شاعر، جهانگرد، و فیلسوف ایرانی» است. این کتاب به وسیله دکتر آلیس سی. هانسبرگر<sup>۱</sup> نگاشته شده و به دست و همت دکتر فریدون بدره‌ای، مترجم نام‌آشنای آثار مربوط به اسماعیلیه، به زبان فارسی برگردانده شده است.

این کتاب به دنبال درخواست مؤسسه مطالعات اسماعیلی از نویسنده محترم کتاب، که پیشتر رساله‌ای درباره عقیده ناصر خسرو درباره نفس نوشته بود، به تحریر درآمد؛ و از بخش سپاسگزاریهای کتاب مشخص می‌شود که استادان بزرگی در تکمیل و تصحیح کتاب یاریگر نویسنده بوده‌اند.

کتاب در دوازده فصل تدوین یافته و نویسنده محترم کوشیده است ابعاد مختلف زندگی ناصر را با تئری زنده و سبکی جذاب و روان به تصویر بکشد. عناوین دوازده فصل کتاب از این قرار است: نفس بالاتر از بخت؛ ملحد، جادوگر، یا شاه؛ شگفتیهای این جهان؛



## دکتر رضا روحانی



پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

منعکس می‌سازد و به صورت پذیرفته شده‌ای از نظام متدرج نوافلاطونی دربارهٔ آفرینش از خداوند تا جهان مادی تأکید دارد. مراتب اساسی این خلقت متدرج چنین است: خداوند، عقل، نفس، طبیعت و جهان جسمانی. در این ساختار ثانوی، از بیت المقدس به عنوان زمینه‌ای برای بحث از خداوند، از قاهره برای بحث دربارهٔ عقل، از بازگشت او به سوی خانه برای بحث دربارهٔ نفس سود جسته‌ام. در این میان مکه را مکان مناسبی برای تفکر و تعمق در معنای حج خانه خدا قرار داده‌ام. همینکه ناصر خسرو به زادگاه و خانه خود می‌رسد، در درد و رنج تبعید او شریک می‌شویم، و نیز به قدرت ایمان او، ایمانی که به وی امیدواری می‌بخشد، پی می‌بریم.»<sup>۲</sup>

با توجه به اهمیتی که کتاب حاضر، در شناساندن ظاهر و باطن زندگی ناصر خسرو دارد و نیز کم بودن آثار معتبر در معرفی این شاعر، نویسنده این مقال کوشیده است کتاب مذکور را به محضر خوانندگان ارجمند معرفی کند و فواید و نقایص حتمی یا احتمالی آن

عنوان مثال به بحث دربارهٔ ضرورت علم و عمل یا دانش و کنش پرداخته‌ام. این مضمونها را با مثال از اشعار او و متون فلسفی منشورش، روشن ساخته‌ام. سپس، وقتی همراه مسافرمان به بیت المقدس می‌رسیم، رشتهٔ دیگری از روایت آغاز می‌شود، رشته‌ای که ساختار جهان‌شناسی ناصر خسرو را (همراه با عقاید بعضی از دانشمندان اسماعیلی عهد فاطمی، اما نه همه آنها)

را گوشزد نماید.

#### الف. موارد مثبت

۱. چنانکه از معرفی نامه کوتاه و گویای فوق‌الذکر نویسنده معلوم می‌شود، کتاب حاضر تقریباً ساختاری سفرنامه‌ای دارد، و شرح و تبیین سفری است که در افکار و آثار ناصر خسرو به شیوه‌ای تازه صورت می‌گیرد و خواننده متوسط را دست می‌گیرد و پایه پای ناصر خسرو، او را راهی سفری دور و دراز در اقصای عالم و دیدن مناظر شگفت و شیرینی می‌کند که پر از تازگی و طراوت است، و البته این سفر، چنانکه آمد، فقط سفری زیبا و ظاهری و زمینی نیست بلکه تلفیقی است از زمین و آسمان، ظاهر و باطن و زشت و زیبا و انصافاً، نویسنده محترم در تلفیق این متضادهای، توانا و موفق بوده است.

۲. نثر کتاب نثری زنده با توصیفاتی جاندار و جذاب است.

۳. ترجمه کتاب توسط مترجمی توانا و متخصص آثار اسماعیلی صورت گرفته و بسیار روان و گویاست.

۴. قوت، ایجاز و حسن تمهید فصل اول کتاب به رغم نام نه‌چندان مناسب آن قابل توجه است؛ و فصل دوازده کتاب، فصل اوج و فصل نهایی کتاب است و به‌ویژه، مبحث امید در ناامیدی، مبحثی خواندنی تر است.

۵. خواندنی بودن بخش شگفتیهای جهان با انتخاب خوب و تحلیل مناسب که در واقع می‌توان آن را خلاصه‌ای از خواندنی‌ترین بخشهای سفرنامه منسوب به ناصر خسرو، به حساب آورد.

۶. رفع برخی اشتباهات یا سهل‌انگاریهای مسلم نویسنده توسط مترجم محترم کتاب.

۷. توصیف و تبیین زیبایی اندیشه‌های ناصر خسرو و توصیفات او از شهرها و نواحی مختلف با اندکی تحلیل.

۸. کتاب حاضر با حسن تألیفی که دارد می‌تواند نمونه‌ای برای نویسندگان و دانشجویان ارجمند، در نگارش کتابهایی از این دست باشد.

#### ب. اشتباهات و کاستیها در محتوا

۱. بیشترین حجم کتاب نقل، تلخیص و تحلیلی از محتویات سفرنامه است و به تشکیکی که در مورد صحت انتساب سفرنامه وجود دارد، توجهی نشده است. تشکیک دقیقی در کتاب نگاهی نوبه سفرنامه<sup>۳</sup> از فیروز منصوری<sup>۴</sup> وجود دارد، و قولی نیز در کتاب سبک‌شناسی بهار و بعضی از مقالات یادنامه ناصر خسرو<sup>۵</sup> آمده که نویسنده محترم بدانها تنهایی نکرده و بدین جهت، از مندرجات سفرنامه منسوب به ناصر خسرو به وفور استفاده کرده و از اعتبار مطالب و مستندات کتاب کم کرده است.

دلایل و شواهد دیگری نیز در رد انتساب سفرنامه به ناصر خسرو یا تشکیک در آن می‌توان ذکر کرد:

۱-۱. از مقایسه روایت شعری ناصر با سفرنامه که در فصل چهارم کتاب (ص ۱۰۲ به بعد) نیز آمده معلوم می‌شود که اختلافاتی در دو روایت وجود دارد. از جمله آنکه در شعر ذکر می‌شود که آن را دلیل بیداری او دانسته‌اند نیامده و ناصر دو آن قصیده بیداری خود را در نتیجه پرسشها و دغدغه‌های مختلف فکری - همدستی ای می‌داند که جبرانی برای آنها پیدا نمی‌کرده است.

۱-۲. تناقضات مختلف تاریخی - جغرافیایی در سفرنامه وجود دارد که برخی از آنها در تعلیقات و مقدمات دکتر میر سیاقی بر کتاب سفرنامه آمده و برخی دیگر در نگاهی نو به سفرنامه و برخی نیز در مقالات یادنامه ناصر خسرو.

۱-۳. چنانکه از مطالب و اشارات شریک‌نویس در کتاب معلوم می‌شود که مستندات نیز تعدادی از مطالب در سفرنامه بر اساس مستندات سفری بعد از آسمان آن به نگارش برآمده است. در این

صورت، اگر سفرنامه موجود از ناصر خسرو مشهور باشد، می‌بایست عقاید کلامی - مذهبی او خیلی بیشتر و صریح تر و بی‌پروا تر از آنچه در کتاب سفرنامه دیده می‌شود، وجود داشته باشد، در صورتی که چنین نیست، یعنی عقاید، اندیشه‌ها و دغدغه‌های اصلی ناصر خسرو که به کرات در اشعار و آثار منتشرش دیده می‌شود، در سفرنامه حاضر، غایب و یا بسیار کم‌رنگ است. مسایلی مانند مجادلات کلامی، بزرگداشت خلفای فاطمی مصر، تأویل احکام و رسوم دینی، تعصب در اعتقادات و ابراز آن، مذمت غیرشیعه، بدگویی از سلاطین غزنوی، چگونگی رسیدن خود به درجات دعوت اسماعیلی و حجت خراسان شدن، و موارد دیگری از همین دست.

۱-۴. اگر سفرنامه از ناصر خسرو باشد یعنی او آن را بعد از سفر و قبل از تصنیف سایر آثار نوشته است، چنانکه مشهور است، باید نثر آن از نثر سایر کتابهای او کهن تر باشد، در صورتی که چنین نیست و نثر سفرنامه متأخر از سایر آثار است، یعنی چنانکه استاد بهار در کتاب معتبر سبک‌شناسی خویش نوشته‌اند: «سفرنامه... به شیوه سامانیان شبیه نیست و درست مطابق سبک و شیوه دوره اول عصر غزنوی است، ولی زادالمسافرین او، برخلاف سفرنامه درست بر طبق شیوه قدیم است، با اینکه سفرنامه را قبل از زادالمسافرین نوشته است مع ذلک سبک تحریر کتاب دوم او کهنه تر از کتاب نخستین به نظر می‌رسد و معلوم نیست چرا»<sup>۸</sup>

۱-۵. نامی از سفرنامه در هیچ کدام از آثارش به تصریح یا تلویح به میان نیامده است، در صورتی که از سایر آثار خود، کم و بیش، ذکری به میان آورده است.

۱-۶. به تصریح نویسنده محترم به غیر از جامی، به صورتی اجمالی و مبهم و صاحب جامع التواریخ، ظاهراً نویسنده یا مورخ متقدم دیگری، نامی از سفرنامه ناصر خسرو نبرده است<sup>۹</sup> و منظور آن دو نیز از کتاب، سفرنامه، شاید بخشهایی از دیوان ناصر خسرو، و یا اینکه کتاب زادالمسافرین او باشد که مشابهتی در نام با سفرنامه دارد. ۱-۷. نویسنده سفرنامه در انتهای کتاب ابراز علاقه می‌کند که سفری نیز به شرق داشته باشد و مشاهدات خود را به سفرنامه اضافه کند. ۱۰ از این قول نویسنده و گزارشها و توصیفات دقیقی که در سفرنامه وجود دارد، به نظر می‌رسد که نویسنده به سفر و سفرنامه‌نویسی علاقه بیشتری از خود نشان می‌دهد تا انجام مأموریت دینی و تبلیغی خود به عنوان حجت اسماعیلی در جزیره خراسان.

۲. ضعف در استفاده از منابع و عدم مراجعه به کتابهای معتبر و ضروری مانند کتاب نگاهی نو به سفرنامه ناصر خسرو از فیروز منصوری، و کتاب کتابشناسی ناصر خسرو از علی میرانصاری و کتاب تصویری از ناصر خسرو از علی دشتی؛ و بسیاری از مقالات ادواری معتبر از جمله مقالات یادنامه ناصر خسرو، چاپ دانشگاه مشهد.

۳. نویسنده محترم می‌بایست استفاده بیشتری از اشعار ناصر خسرو می‌کرد و دیوان را سند و متکالی اصلی خود در فصول و فقرات کتاب قرار می‌داد. در صورتی که فقط در دو فصل آخر کتاب - از ص ۲۸۱ تا ص ۳۲۲ - این استناد و استشهاد دیده می‌شود؛ و در ده فصل آغاز کتاب، استفاده و استناد بسیار اندکی برای تبیین اندیشه‌ها و دوره‌های زندگی شاعر، به دیوان شده است. علاوه بر این، باید توجه کرد که این امر، با توجه به تشکیکی که در انتساب سفرنامه به ناصر خسرو وجود دارد، از سبب کتاب می‌کند.

۴. نویسنده محترم معتقد است که ناصر خسرو زاد نیست<sup>۱۱</sup> و این جمله را به اشتباه در زمان تصنیف در دیوان او، و نقل آن از کتاب سفرنامه بیان می‌کند که در آنها از شور زندگی سخن گفته

شده، در صورتی که ناصر خسرو از شاعران شعر زهد در ادب فارسی به حساب می آید<sup>۱۲</sup> و او خود را شاعر «شعر زهد» می نامد و در ابیات متعددی به این امر اشاره کرده است.<sup>۱۳</sup>

۵. تعبیر «متکلم» به جای «فیلسوف» و «کلام» به جای «فلسفه»، در معرفی شخصیت ناصر خسرو و افکار و عقاید او مناسب تر به نظر می رسد که در این مورد در عنوان و متن کتاب تسامحی نابجا صورت گرفته است.

۶. دوبیتی که در آغاز کتاب به نام عطار و به نقل از کتاب **لسان الغیب** در وصف ناصر خسرو آمده، واصل آن در صفحه ۴۳ و ۴۴ آورده شده، مسلماً از عطار مشهور نیست و باید سروده یکی از شاعران شیعی گذشته باشد.

۷. در صفحه ۱۱۱ کتاب، نویسنده محترم بیت را اشتباه خوانده است،<sup>۱۴</sup> یعنی کلمه جهان به معنی جهنده را به جای جهان به معنی عالم خوانده و براساس همین خوانش، در پاورقی کتاب صورت ظاهری بیت را غلط دانسته است.

۸. در صفحه ۱۸۷ حکمی اشتباه به شیعه نسبت داده شده است که فقط درباره شیعیان اسماعیلی صدق می کند و آن حکم از این قرار است: «بنا بر عقیده شیعه، رسالت پیامبر رساندن وحی الهی (تزیل) به صورت کلمات قرآن به مردم بود؛ بعد از پیامبر تنها علی از جانب خداوند مأموریت یافت که کار تأویل کتاب خدا را عهده دار شود».<sup>۱۵</sup>

۹. در شعر صفحه ۱۹۴ کلمه «بو قلمون» نام مرغی مشهور است نه نام پارچه.

۱۰. در صفحه ۲۱۲ مرقوم فرموده اند که «قرآن برده گرفتن را در میان مسلمانان قذغن فرموده است» در صورتی که حکمی به این صراحت در قرآن نیامده است.

### ج. اشتباهات چاپی:

اشتباهات چاپی اثر حاضر، با توجه به اهمیت کتاب و اعتبار ناشر و پدیدآورندگان آن، متأسفانه کم نیست که امیدواریم در چاپهای بعدی، اصلاح و جبران گردد. در اینجا به دو نکته ویرایشی نیز اشاره می شود؛ یکی آنکه نشانی صفحات منقولات کتاب در متن آمده که بهتر بود در پاورقی یا پی نوشت می آمد. نکته ویرایشی دیگر اینکه منقولات گاه با شماره حروف کوچک تر از متن، و گاه مطابق متن، آمده است که بهتر بود روش یکسانی به کار گرفته می شد.

### پانوشتها:

۱. خانم آئیس سی هائیسرگر، دارای دکترای ادبیات فارسی و عربی از دانشگاه کولومبیاست، و اکنون در حال ترجمه دیوان ناصر خسرو به زبان انگلیسی است (به نقل از معرفی نامه نویسنده در لیدرگردان کتاب).
۲. ناصر خسرو، **لعل بدخشان**، پیشگفتار، ص ۳.
۳. نگاهی نو به سفرنامه فیروز منصوری، چاپخش، تهران، ۱۳۷۶.
۴. نویسنده در این کتاب دلایل بسیار متعددی در رد اشتباهات سفرنامه ناصر خسرو آورده است که مهم ترین مولود آن به برای سهولت کار خوانندگان محترم در زیر می آوریم:  
نسخه های خطی سفرنامه بسیار متأخر است یعنی برخی به سده چهارم قبل (طبق چاپ شعر و دیر سیاهی سال ۱۸۷۴ و ۱۸۵۸) می گزیند و برخی نسخه موجود در مکتب استخار و ده سال بعد از آن توسط حنفی هندی مشهور شعر، منتشر شده است؛ طبق نظر سبک شناسان، مجموع چهار سبک سفرنامه با سایر آثار او سازگار نیست؛ ناصر خسرو در آثارش نامی از سفرنامه

نبرده، ولی از سایر کتابها یاد کرده است؛ در **سفرنامه** از آثار باستانی و مراکز علمی و دینی مصر و علما و مشاهیر معروف زمان نامی برده نشده است؛ استفاده از لقب سلطان به جای خلیفه برای خلفای فاطمی؛ وجود لغاتی در **سفرنامه** که در زمان ناصر خسرو هنوز وضع نشده و تداول نیافته بود مثل سیاق و قلاووز و خالصة و شط العرب و...؛ وجود نام شخصیت های موهوم و افرادی ناشناس با القاب و عناوین مختلف که در آثار دیگر نویسندگان و تذکره نویسان نامی از آنها نیست؛ مشابهت بعضی فقرات سفرنامه موجود با کتابهای تاریخی قدیم، اشاره نکردن به بعضی شهرهای بزرگ میان راه؛ عدم مطابقت برخی منقولات **سفرنامه** با وقایع تاریخی ای که در کتابهای دیگر آمده است، مثل ملاقات با قطران و زمان زلزله تبریز و فرمانروایی پیروان ابوسعید در لحسا و...؛ پرداختن به اسرائیلیات و وصف عکه و...؛ غیر واقعی بودن توصیفات ناصر از شهر مصر و خرمی اصفهان در سال ۴۴۴.

نویسنده محترم در انجام کتاب، و با توجه به منقولات اثر خود، احتمال می دهند که **سفرنامه** موجود، ساخته و پرداخته نویسنده ای جدید باشد که برای خدمت به منافع و مقاصد انگلستان در قرن نوزدهم از جمله فعالیت های صهیونیستی در فلسطین و بهائیان در عکه و به خدمت گرفتن اسماعیلیه و پیروان آقاخان محلاتی، نوشته شده باشد.

۵. **یادنامه ناصر خسرو**، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۵۵.

۶. در قصیده ای مشهور، با این مطلع:

ای خواننده بسی علم و جهان گشته سراسر

تو بر زمی و از برت این چرخ مدور

۷. ر. ک: ناصر خسرو، **لعل بدخشان**، ص ۲۷.

۸. ر. ک: سبک شناسی، ج ۲، ص ۱۵۲.

۹. ر. ک: ناصر خسرو، **لعل بدخشان**، ص ۴۸ و ۵۲.

۱۰. ر. ک: **سفرنامه ناصر خسرو**، ص ۱۷۵.

۱۱. ناصر خسرو، **لعل بدخشان**، ص ۲۶.

۱۲. برای اطلاع بیشتر ر. ک: **شعر صوفیانه فارسی**، بخش زهدیات،

ص ۴۸ به بعد.

۱۳. از جمله در این ابیات:

جز گفتن شعر زهد و طاعت

صد شکر تو را که نیست کارم

(قصیده ۳/۷۹)

و اندر رضای او گه و بی گه به شعر زهد

مر خلق را به رشته کنم علم و طاعتش

(قصیده ۵۶/۸۲)

و نیز ر. ک: **قصاید ۸۲/۲۲، ۴۲/۳۶، ۴۴/۴۱، ۴۳/۲۱۹.**

۱۴. بیت از این قرار است:

جهانست به آهن بیادش بستن

به زنجیر حکمت ببند این جهان را

### منابع و مآخذ:

۱. **دیوان ناصر خسرو**، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۰.
۲. سبک شناسی، محمد تقی بهار، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۹.
۳. **سفرنامه ناصر خسرو**، به کوشش محمد دبیر سیاهی، زوار، ۱۳۷۱.
۴. **شعر صوفیانه فارسی**، یومانس دو پروین، ترجمه مجتالدین کیوانی، مرکز تهران، ۱۳۷۸.
۵. **ناصر خسرو، لعل بدخشان**، آئیس سی هائیسرگر، ترجمه فریدون یزدانی، مرزبان روز، تهران، ۱۳۸۱.
۶. **نگاهی نو به سفرنامه ناصر خسرو**، فیروز منصوری، چاپخش، تهران، ۱۳۷۶.
۷. **یادنامه ناصر خسرو**، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۵۵.